



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
موضوع جزئی: ۴. شهرت - ادله حجیت - بررسی دلیل چهارم - کلام محقق نایینی درباره مصادف با: ۲۴ ربیع الاول ۱۴۴۶
مقبوله عمر بن حنظله و بررسی آن
سال شانزدهم
جلسه: ۸

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در دلالت مقبوله عمر بن حنظله بر حجیت شهرت فتوایی بود. بعد از بیان تقریب استدلال به این مقبوله اشکالاتی که متوجه این دلیل بود بیان گردید. پنج اشکال نسبت به این مقبوله ذکر شد. ما به برخی از این اشکالات پاسخ دادیم یا شاید اکثرا این اشکالات را جواب دادیم؛ اما برای اینکه از بحث پیرامون این مقبوله و دلالتش بر حجیت شهرت فتوایی نتیجه بگیریم لازم است به برخی از انظار از جمله محقق نایینی و بعضی دیگر اشاره داشته باشیم. انشاء الله بعد از بیان این نظرات درباره این مقبوله جمع بندی می کنیم.

کلام محقق نایینی

ایشان معتقد است که این مقبوله اساسا ناظر به شهرت فتوایی و یا حتی شهرت عملی نیست بلکه به شهرت روایی مربوط می شود. وی بعد از اینکه این سه قسم شهرت را بیان می کند و در رابطه با آن توضیح می دهد، می فرماید اساسا «المجمع علیه بین اصحابک» به معنای «المشهور بین الاصحاب» است و «ال» در المجمع علیه در جمله اول اشاره به همان خبر دارد و چنانچه در تعلیل یعنی جمله دوم نیز اینچنین است. در «فان المجمع علیه لاریب فیه» هم «ال» نیز اشاره به همان خبر دارد و سلمنا که «ال» در «المجمع علیه» به خصوص خبر برنگردد بلکه به معنای مطلق شهرت باشد اما باز ما اینجا قرائنی داریم که شامل مطلق شهرت نمی شود. به بیان دیگر اینجا قطعا «المجمع علیه لاریب فیه» به معنای «المشهور فی الروایه» است و معنای عام از آن استفاده نمی شود چه اینکه اشکالی که از قول ایشان گفتیم اشاره به همین مطلب داشت. کانه این یک دلیلی است از سوی محقق نایینی برای اینکه مقبوله عمر بن حنظله ارتباطی به شهرت فتوایی ندارد، در اشکال پنجم هم که از قول ایشان بیان کردیم همین هدف را دنبال می کرد. حال چرا با اینکه این جمله در مقام تعلیل است و تعلیل هم عمومیت دارد اما در عین حال اینجا خصوص شهرت روایی مد نظر است نه مطلق شهرت؟ زیرا این تعلیل با تعلیل در مثل «لاتشرب الخمر لأنه مسکر» متفاوت است، در «لاتشرب الخمر لأنه مسکر» حمل، حمل شایع صناعی است، یعنی خمر با مسکر اتحاد وجودی دارد و مصداق آن است ولی آیا همین «لاتشرب الخمر لأنه مسکر» به تنهایی بر این مطلب دلالت می کند یا اینکه بر گرفته از یک کبرای کلی است که اینجا نیز از آن به عنوان علت استفاده می شود که عبارت است از «کل مسکر حرام» یعنی یک جمله ای، یک قاعده ای یک کبرای کلی وجود دارد که «کل مسکر حرام» و چون اینچنین است «لاتشرب الخمر لأنه مسکر» دلالت می کند بر حرمت اسکار، اگر نبود «کل مسکر حرام» ما به تنهایی از

«لأنه مسکر» نمی توانستیم حرمت خمر را مستند کنیم به اسکار آن. بنابراین ما در جایی می توانیم از یک تعلیل عمومیت را استفاده کنیم که خودش دارای یک کبرای کلی باشد. اگر چنین کبرای کلی وجود نداشته باشد نمی توانیم از تعلیل این عمومیت را استفاده کنیم. اینجا هم اگر غیر از این جمله یک کبرایی به عنوان «کل مجمع علیه لا ریب فیه» داشتیم می توانستیم عموم را از آن استفاده کنیم ولی چون ما چنین کبرایی نداریم نمی توانیم از تعلیلی که در مقبوله ذکر شده یک معنای عام را به دست بیاوریم تا بگویم شامل شهرت فتوایی نیز می شود.

محقق نایینی مطالب دیگری نیز اینجا فرموده که آنها را نیز اشارتاً بیان می کنم. ایشان هم در این مقام و هم در بحث تعادل و ترجیح یک اشاره ای به این بحث دارند.

محقق نایینی در مورد شهرت فتوایی می گوید که اگر شهرت فتوایی بر خلاف یک روایت باشد این قطعاً موهن روایت خواهد بود. این همان چیزی است که از آن تعبیر می شود به اعراض الاصحاب که اگر جایی اغلب اصحاب بر خلاف یک روایتی فتوا بدهد، به عنوان اعراض اصحاب تلقی می شود و طبیعتاً موجب وهن آن روایت خواهد بود و آن را از اعتبار می اندازد ولی بحث در این است که آیا شهرت فتوایی در جایی که تعارضی در کار باشد می تواند به عنوان مرجح در نظر گرفته شود و در جایی که تعارض نباشد می تواند به عنوان جابر ضعف سند عمل کند یا خیر؟ این عمده بحثی است که وجود دارد، ولی اینها هیچکدام به شهرت فتوایی ارتباطی ندارد. حتی بحث مرجحیت شهرت فتوایی یا معین بودن شهرت فتوایی (که اولی در فرض تعارض است و دومی در فرض غیر تعارض، یکی که مربوط به باب تعادل و ترجیح است و این یکی هم ایشان رسماً و صریحاً می گوید جابر ضعف سند نیست) هر کدام که باشد استناد می خواهد، اگر می خواهد مرجح باشد باید استنادش معلوم باشد، از شهرت فتوایی به تنهایی کاری ساخته نیست، اگر مستند به یک روایت بود آن روایت می تواند مرجح باشد. برای جبران ضعف سند نیز نیاز به استناد دارد. به هر حال شهرت فتوایی چه بخواند در نقش مرجح عمل کند و چه بخواند در نقش جابر ضعف سند وارد شود باید مستندش معلوم باشد. سپس ایشان وارد بحث در شهرت متأخرین و شهرت متقدمین می شود و می گوید فرقی نمی کند، چه شهرت متقدمین و چه شهرت متأخرین باید با استناد باشد، بدون استناد این هیچ تأثیری ندارد، باید معلوم شود که اینها بر چه اساسی این فتوا را دادند، بالاخره به یک روایتی استناد کردند. حال ببینیم آیا چنین استنادی وجود دارد یا خیر؟ استناد هم محتمل است از سوی متأخرین باشد یا متقدمین.

متأخرین یا استناد ندارند که رأساً بی ارزش می شوند و اگر هم استناد داشته باشند استنادشان هیچ فایده ای به حال ما ندارد، ارزش ندارد، مثلاً مشهور متأخرین بیایند به یک روایتی استناد کنند و بر اساس آن فتوا بدهند کمکی به ما نمی کند، این شهرت اعتباری ندارد.

اما شهرت متقدمین اعتبار دارد مثلاً به این دلیل که آنها نزدیک به عصر ائمه (ع) بودند، یا آنها احوال روات را دقیق می دانستند، تکلیف برای آنها معلوم بوده؛ ولی یک مشکل وجود دارد و آن اینکه ما به طور کلی ما نمی توانیم احراز کنیم که متقدمین برای آن فتوا استناد به این روایت کرده باشند. این برای ما قابل احراز نیست.

پس بنابراین محقق نایینی نظرشان این است که شهرت متأخرین قابلیت احراز دارد و ما می توانیم شهرت بین متأخرین و استنادش را به دست بیاوریم ولی مشکل این است که این استناد فایده ای ندارد، اما شهرت متقدمین اساساً قابل احراز نیست، شما نمی دانید

متقدمین بر اساس چه روایتی چنین فتوایی دادند، برای ما معلوم نیست. پس هم شهرت متأخرین و هم شهرت متقدمین مشکل دارد. شهرت متأخرین قابل احراز است ولی اعتبار ندارد، شهرت متقدمین اعتبار دارد ولی قابل احراز نیست؛ دقیقاً نقطه مقابل شهرت متأخرین.

پس ایشان ضمن اینکه به طور کلی شهرت فتوایی را معتبر نمی داند فرقی بین شهرت متقدمین و شهرت متأخرین هم نمی گذارد زیرا می گوید ما برای اعتبار شهرت نیاز به استناد داریم و این استناد در میان متأخرین قابل احراز است ولی فایده ای ندارد. اما در مورد متقدمین این استناد قابل احراز نیست ولی اگر احراز شود اعتبار دارد، ما چه کنیم که مشکل عدم احراز است ما نمی توانیم احراز کنیم استناد اینها را به آن روایت.

سوال:

استاد: این فرمایش محقق نایینی است و خود ایشان اتفاقاً در مورد اقسام شهرت همین مطالب را بیان کرده است، ایشان می گوید ما شهرت سه قسم داریم: ۱. فتوایی؛ ۲. روایی؛ ۳. عملی.

سوال

استاد: از برخی مطالب ایشان استفاده می شود این دو (شهرت فتوایی و عملی) را منطبق بر هم می داند در حالیکه اینطور نیست و با آن تعریفی که ما کردیم حداقل این است که نسبتشان نسبت عموم و خصوص من وجه است.

محصل مطالب محقق نایینی این شد که شهرت فتواییه مطلقاً حجت نیست؛ در مقابل کسانی هم بین شهرت فتوایی قدما و شهرت فتوایی متأخرین تفکیک قائل شدند، ایشان می گویند به طور کلی شهرت فتوایی اعتبار ندارد، می خواهد شهرت متقدمین باشد و یا متأخرین.

بررسی کلام محقق نایینی

بعضی از این مطالب جای تأمل و بحث و بررسی دارد.

اولاً: همانطور که اشاره شد شهرت فتوایی در واقع شهرتی است بین فقها در فتوا به یک حکم در حالیکه مستند آن برای ما معلوم نیست، یعنی ما می خواهیم ببینیم فتوای مشهور بما هی فتوای مشهور ارزش و اعتبار دارد یا خیر؟ فتوای مشهور به اعتبار استنادش به یک روایت دیگر طبق اصطلاح فتوای مشهور نیست.

ثانیاً: مهمتر از اشکال قبلی این است که ایشان می گوید در «فإن المجمع علیه لاریب فیه» منظور از «المجمع علیه»، «کل مجمع علیه» یا «کل مشهور» نیست بلکه منظورش «کل مشهور فی الروایه» است زیرا «ال» اشاره به همان روایت و خبر دارد. لکن همان طور که ما قبلاً گفتیم قرائنی وجود دارد که مانع تفسیری می شود مثل اینکه در مقبوله به صورت کلی فرموده، یوخذ حکمنا و بعد آن را معلل کرده به این. همچنین تثلیث امور به بین الرشد و بین الغی و شبهات بین ذلک، اینها همه قرینه است بر اینکه منظور شهرت روایی نیست.

اما کلام در این است که مطلق شهرت فتوایی حجت است یا شهرت فتوایی متقدمین و قدما؟ محقق بروجردی معتقد است شهرت فتوایی قدما معتبر است که از آن تعبیر می کند به اصول متلقات، حال این اصول متلقات چیست و چرا ایشان چنین تفسیری را ارائه می دهد را فردا توضیح می دهیم.

والحمد لله رب العالمين»